

## ماجرای سفیر اوکراین در آلمان و تاریخی که بازخوانی نشده است



### حبیب حسینی فرد

دو هفته پیش زلنسکی در یک قلم پنج سفیر اوکراین در کشورهای مختلف، از جمله ایران را برکنار کرد. دیروز رسانه‌های آلمان در باره آندری ملنیک هم خبر دادند که وضعیتی مشابه خواهد یافت و به اوکراین فراخوانده خواهد شد، بی آنکه در کی‌یف از عنوان برکناری در باره او استفاده شود.

ملنیک از هشت سال پیش سفیر کشورش در آلمان است. او از همان سال ۲۰۱۵ که به مونیخ رفت و با گل‌گذاشتن بر مقبره استپان باندرا او را قهرمان اوکراین نامید و عکس و تفصیلات این اقدام را هم در توئیٹ منتشر کرد به شخصیتی جنجالی بدل شد.

ملنیک در چند ماهه اخیر جنگ روسیه علیه اوکراین هم حملاتی بی‌سابقه متوجه سیاستمداران آلمانی کرده است، حملاتی که صرفنظر از درستی یا نادرستی کنه آنها (رابطه تنگاتنگ اقتصادی آلمان با روسیه، عدم ارسال سریع سلاح به اوکراین، ...) در عرف دیپلماتیک کمتر مانندی دارد.

ملنیک اشتاین‌مایر، رئیس جمهور آلمان را به سبب برگزاری یک کنسرت همبستگی با مردم اوکراین که در آن نوازندگان لهستانی و تکنوازان روس تبار هم می‌نواختند به باد انتقاد گرفت و از رفتن به این کنسرت سر باز زد و بعدتر هم اشتاین‌مایر را متهم کرد که دارای یک شبکه عنکوبتی از روابط با مسکو است. به شولتس، صدراعظم آلمان هم لقب نازکنارنجی داد و همانطور که گفته شد از ستایشگران استپان باندرا،

رهبر راست‌های افراطی اوکراین در جریان جنگ جهانی دوم است که کارنامه‌ای از یهودی‌کشی و لهستانی‌کشی و روس‌کشی به نام او ثبت است.

باندرا سال ۱۹۲۹ با شماری از دسته‌جات راست افراطی و تروریستی لهستان و اوکراین یک گروه بزرگ شبه‌نظامی را ایجاد کرد و سال ۱۹۳۴ با گروهش طرح ترور وزیر کشور لهستان، حاکم بر غرب اوکراین، را که در مقابله با این گروه سخت‌گیر بود به اجرا گذاشت و او را کشتند. باندرا در دادگاه به مرگ محکوم شد که بعداً به حبس ابد بدل شد. پای قوای هیتلری که سال ۱۹۳۹ به لهستان رسید باندرا هم از زندان آزاد شد و با گروهش به متحد نازی‌ها علیه یهودی‌ها، لهستانی‌ها و دمار از روزگار یهودی‌ها و لهستانی‌ها درآورد.

### زندانی ویژه رژیم هیتلری

سال ۱۹۴۱ که قوای هیتلر حمله به شوروی را آغاز کردند دار و دسته باندرا همچنان در خدمت این نیرو بود و حالا در حذف سربازان اسیر شوروی هم با قوای هیتلری همکاری داشت. طرفه این که شماری از اهالی شوروی به دو دلیل برای باندرا باید نابود می‌شدند، این که هم یهودی بودند و هم کمونیست

اندکی بعد اما جاه‌طلبی باندرا و برنامه‌اش برای ایجاد یک کشور مستقل در غرب اوکراین کنونی با مزاج هیتلر سازگار نبود، و رژیم هیتلری برای مدتی او را به حبس کشید، بدون آن که فعالیت سازمان تحت رهبری او علیه یهودیان و لهستانی‌ها و شوروی‌ها ممنوع شود. در دستگاه رهبری هیتلر این ایده هم مطرح بود که باندرا اگرچه در زندان است، با پایان جنگ می‌توان او را متقاعد کرد که حاکم اوکراین زیر سلطه آلمان نازی شود. القصه، باندرا در حبس نازی‌ها یک زندانی ویژه بود با دم و دستگاه و رفاه کامل که دیدارهای زیادی داشت و در همین دیدارها هم دستور و رهنمود علیه "دشمنان" صادر می‌کرد و نیروی لازم برای همکاری در طرح‌های نابودسازی در اختیار قوای هیتلری قرار می‌داد.

سال ۱۹۴۴ رژیم هیتلری بهتر دید که باندرا را برای کمک‌گیری بهتر و هماهنگ‌تر از نیروهای تحت رهبری از "زندان" آزاد کند. باندرا اما با دیدن نشانه‌های ضعف و عقب‌نشینی در قوای هیتلری به سوی آمریکایی‌ها متمایل شد و همکاری با آنها را شروع کرد و سازمان اطلاعات آمریکا هم مانع از آن شد که بعد از پایان جنگ پای او به عنوان جنایتکار جنگی به این یا آن دادگاه کشیده شود. در همین راستا او تا سال ۱۹۵۹ در مونیخ با نام مستعار زندگی می‌کرد و در هدایت دسته‌جات مسلح که در غرب اوکراین به تصرف شوروی درآمده به ترور و عملیات مسلحانه مشغول بودند نقش داشت.

نهایتاً کاگ ب محل زندگی او را کشف کرد و با اعزام یک مامور او را کشت. قاتل به آلمان شرقی گریخت، ولی سال ۱۹۶۱ در اقدامی عجیب قبل از آن که کار دیوار برلین تمام شود به غرب آلمان آمد و دادگاهی شد و تنها به ۸ سال زندان محکوم شد. این محاکمه هم در تاریخ قضایی آلمان که نه قاتل بلکه کا

گ ب عامل اصلی شناخته شد و برای قاتل صرفاً حکمی ملایم صادر شد نمونه‌ای غریب و عجیب تلقی می‌شود.

بعد از سقوط شوروی که بحران هویت و جستجو برای "چهره‌های تاریخی و ملی" در پروسه هویت‌یابی جدید در بسیاری از جمهوری‌های شوروی به موضوع روز بدل شد، باندرا را هم در غرب اوکراین دوباره "کشف" کردند و ده‌ها خیابان و مجسمه به نام او برپا شد. در کتاب‌های درسی هم این "قهرمان" ملی حضوری برجسته یافت و دسته‌جاتی مانند گردان آروف و سکاتور راست هم که بعد از دست به دست شدن قدرت در سال ۲۰۱۴ قدرت و برو و بیایی پیدا کرده‌اند به ستایشگران پرشور او بدل شدند.

تاریخی که بازخوانی نشده

القصة، ملنیک، سفیر اوکراین در آلمان، هفته پیش در تازه‌ترین مصاحبه‌اش تا جایی پیش رفت که باندرا و سازمان وابسته به او را فاقد هرگونه نقش و دخالتی در کشتار دسته‌جمعی یهودیان و لهستانی‌ها عنوان کرد. البته در مورد لهستانی‌ها گفت که اگر کشتاری هم در کار بوده، لهستانی هم متقابلاً همین کار را کرده‌اند، حرفی که سر و صدای وزارت خارجه لهستان را هم درآورد و وزارت خارجه اوکراین مجبور شد بیانیه بدهد و بگوید که نظر ملنیک در مورد ماجرای کشتار لهستانی‌ها نظر شخصی بوده است.

منتهی گرچه سر و صدای سفیر اسرائیل در آلمان هم درآمد که ملنیک مشغول تحریف تاریخ و اهانت به قربانیان هولوکاست است، در بیانیه وزارت خارجه اوکراین به این جنبه از حرف‌های ملنیک اشاره‌ای نشده و لذا فاصله‌گیری از آن هم شاید موضوعیتی نیافته

ولی فشارها ظاهراً کار خود را کرده و کیف حالا سعی می‌کند با سلام و صلوات و با تجلیل از کارنامه ... ملنیک او را به کیف فرابخواند، بی آن که اسمی از برکناری او برود یا

هر چه که هست دولت اوکراین اقدامی درست انجام داده تا خوراک کمتری برای در و دستگاه تبلیغاتی کرملین ایجاد شود و کمتر بتوانند از "حضور نازی‌ها" در دولت اوکراین حرف بزنند. این که البته قدرت و نفوذ ملنیک و احتیاط نسبت به او که حتی از کلمه برکناری در باره‌اش خودداری می‌شود از کجا می‌آید شاید پاسخ چندان دشواری نداشته باشد.

در واقع کم نیستند صاحب‌نظرانی که مواضع ستایشگرانه و جعل‌پردازانه سفیر اوکراین در باره باندرا و رواج محسوس این مواضع، به خصوص در بخش‌هایی از غرب اوکراین را به تعلل و مسامحه در بازخوانی درست تاریخ و درس‌گیری از آن ربط می‌دهند، بی آن که این تعلل و این ستایشگری از باندرا کوچکترین توجیه و محملی برای جنگ تجاوزکارانه روسیه و بهانه کرملین برای "نازی‌زدایی" از اوکراین تلقی شود.

با این همه، پس از جنگ اگر اوکراین بخواهد به خصوص به اتحادیه اروپا بپیوندد بازخوانی درست این تاریخ و متزلزل کردن هر چه بیشتر ریشه‌ها و محمل‌های ناسیونالیسم افراطی، نژادپرست و ضدانسانی شاید امری اجتناب ناپذیر باشد، شاید هم از همین حالا

07.07.2022 – 09:23

فیسبوک نویسنده